

کودک و مطالعه

• محمد حسن زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

کتاب کودک و مطالعه یکی از مفیدترین کتاب‌هایی است که می‌تواند نقش اساسی در تبیین مفهوم مطالعه و مسائل مربوط به ایجاد زمینه مطالعه در کودکان بازی کند. این کتاب در قالب یک مقدمه، هشت فصل و یک واژه‌نامه انگلیسی به فارسی تدوین شده است. فصل اول کتاب به صورت اجمالی به بررسی مفهوم و مراحل مطالعه، عوامل تأثیرگذار بر پذیرش خواننده و نظریه مطالعه فراتراز چاپ پرداخته است. فصل دوم نظریه‌های رشد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل سوم مطالعه و رشد در جنبه‌های گوناگون و در فصل چهارم آموزش مطالعه به بحث و بررسی گذاشته شده است. مباحث فصل پنجم و ششم به ترتیب به تصویرخوانی و کتاب‌های مناسب و نامناسب اختصاص دارد. در فصل هفتم، مؤلفان به کودک و کتابخانه پرداخته و سرانجام در فصل پایانی مدیریت ترویج مطالعه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

از آنجایی که مطالعه یک مفهوم مهم و در عین حال نیازمند بررسی دقیق می‌باشد، بنابراین پرداخت کل‌نگرانه و همه‌جانبه به این مفهوم ضرورت بیش از پیش به خود می‌گیرد. در کتاب حاضر مطالعه «تفکر به کمک نشانه‌ها» فرض شده است و آن مطالعه‌ای که صرفاً تکرار طوطی‌وار افکار و اندیشه‌های نقش بسته بر کتاب‌ها باشد، مطالعه‌ای غیرمتفکرانه تلقی گردیده است. مؤلفان در مقدمه کتاب مدعی شده‌اند که کوشیده‌اند تا راهی به مطالعه به مثابه تفکر به کمک نشانه‌ها بگشایند، اما به مخاطبان و خوانندگان احتمالی خود اشاره‌ای نکرده و منظور خود را از این تألیف مشخص نکرده‌اند که آیا به دنبال تألیف یک کتاب درسی هستند یا اینکه چه کسانی می‌توانند از آن استفاده کنند. هم‌چنین نوع تألیف را نیز مشخص نکرده‌اند که بیشتر از چه منابعی و به چه صورت استفاده کرده‌اند و آنچه که در مقدمه کتاب آمده است نیز این وضعیت را روشن نمی‌سازد. اما آنچه از مرور اجمالی سرفصل‌ها بر می‌آید، این کتاب می‌تواند برای دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی برای مطالعه کودکان و



• یغمایی، جواد و خندان، محمد، کودک و مطالعه، تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۳، ۱۴۷ صفحه.

جواد یغمایی عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی تحصیل کرده آمریکاست که سالیان درازی به تدریس و تحقیق در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پرداخته و هم‌اکنون نیز در همین دانشگاه به تدریس مشغول می‌باشد. محمد خندان به عنوان نویسنده همکار یکی از دانشجویان فعال گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی است که رتبه اول کنکور کارشناسی ارشد را کسب کرده و پیشتر نیز به مطالعه و تحقیق در کنار تحصیل پرداخته است. همکاری یک مدرس دانشگاه با یک دانشجو برای تألیف یک کتاب اقدام تحسین‌برانگیزی است که می‌تواند الگویی از همکاری علمی برای دستیابی به شالوده‌ای از تجربه کاری مفید و انرژی جوانی تلقی شود.

نوجوانان و علاقه‌مندان به این حوزه مفید واقع شود و آنان را به مطالعه و تفحص بیشتر در این زمینه تشویق کند.

بازخوانی و تحلیل مطالب کتاب

از مطالعه تعاریف زیادی ارائه شده است، طبق نظر نویسندگان کتاب که در فصل اول ارائه شده است، بیشتر تعاریف مربوط به مطالعه، خوانندگان را در مقام انفعال و بی‌طرفی فرض کرده‌اند، در حالی که ذهن انسان فعال و حساس است. گرچه در مورد مطالعه‌کنندگان مبتدی تا حدودی بتوانیم حالت انفعالی را بپذیریم، اما در مورد خواننده ماهر بزرگسال نمی‌توان این مسأله را به راحتی پذیرفت. با این مفاهیم، نویسندگان دنبال این هستند که بر محوریت خواننده در دستیابی به تفکر انتقادی و مستقل تاکید کنند. با این پیش زمینه، نموداری از مراحل مطالعه ارائه گردیده است تا عمل ادراک در مرکز فرایند مطالعه قرار دارد. هر چند نویسندگان برای پروراندن تفکر خود مجال قلم‌فرسایی کمی را فراهم آورده‌اند، اما سعی کرده‌اند تا مفهوم مورد نظر خود را با استفاده از مثال تبیین کنند. میزان مهارت در مطالعه، شرایط محیطی، ارتباط خواننده با نویسنده، انتظارات خواننده، دانش پیش زمینه خواننده و تجربه و تداعی خاص خواننده از جمله عواملی است که به نظر نویسندگان بر مطالعه تأثیر می‌گذارد. ارتباط بین خواننده و متن، مطالعه و ناخودآگاه ذهن از جمله بحث‌های دیگری است که در فصل اول مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

از آنجایی که کودک در یکی از مراحل حساس رشد خود قرار می‌گیرد، درک عمیق ویژگی‌های رشد می‌تواند به درک عمیق احساسات، عملکردها، خواسته و توانایی‌های کودک کمک‌شایانی کند. نویسندگان کتاب با درک این اهمیت فصل دوم کتاب را به بررسی نظریه‌های رشد اختصاص داده‌اند. در این فصل نظریه تجربه مستقیم و غیر مستقیم با تأسی به نظریات ژان ژاک روسو، نظریه رشد شناختی ژان پیاژه، زیگموند فروید، نظریه‌های بازی‌ها را مورد کنکاش قرار داده‌اند. پس از اینکه نویسندگان در قالب فصل اول و دوم دو مفهوم مطالعه و رشد را معرفی کردند، فصل سوم کتاب به مطالعه و رشد اختصاص یافته است تا رابطه بین این دو مفهوم پرداخته شود. البته نویسندگان کتاب در آغاز این فصل عوامل زیادی را بر رشد کودک تأثیرگذار دانسته‌اند و چنین به نظر می‌رسد که مطالعه را به عنوان مکمل تجارب مستقیم و وسیله رشد هر چه بیشتر جهان کودک معرفی کرده‌اند. با چنین پیش فرضی رابطه بین مطالعه و رشد جسمانی، مطالعه و رشد عقلانی، مطالعه و رشد زبانی، مطالعه و رشد عاطفی، مطالعه و رشد شخصیتی، مطالعه و رشد اجتماعی، مطالعه و رشد اخلاقی، مطالعه و رشد معنوی را به بحث و بررسی گذاشته‌اند. در پایان این فصل رمان جوانان مورد توجه نویسندگان

قرار گرفته است. می‌توان گفت که این قسمت از کتاب به جای اینکه به کودک بپردازد به مسائل دوره‌های بعد زندگی کودک پرداخته است. فصل چهارم کتاب به آموزش مطالعه اختصاص دارد. ابتدا در مقدمه‌ای کوتاه لزوم آموزش مطالعه را روشن کرده است. سپس نحوه آموزش مطالعه و رهیافت‌های موجود از جمله رهیافت دیدن و بیان کردن، رهیافت آوایی، رهیافت تمام جمله‌ای، رهیافت زبانی - روانی تجزیه و تحلیل شده است. در ادامه برنامه مطالعه در مدرسه به صورت اجمالی بررسی گردیده و طرز تعامل با فراگیران خواننده و حمایت از آنان و کسب مهارت در مطالعه به عنوان مباحث بعدی مطرح شده است. نکته‌ای در باب روان‌خوانی مبحث مختصری است که عوامل مؤثر بر روان‌خوانی، اهمیت روان‌خوانی و روش‌های موجود را در برمی‌گیرد. این مبحث پایان بخش فصل چهارم تلقی می‌شود. بسیار شنیده‌ام که هر تصویر، بیش از ده هزار کلمه ارزش دارد و مخصوصاً برای کودکان مطالب تصویری از گیرایی و ارزش بالایی برخوردار است و ترویج گرایش به سوی ارائه مطالب ضروری در قالب تصاویر گویا و دقیق یکی از راه‌هایی است که می‌تواند به رشد عقلانی، معنوی و هم‌چنین گرایش کودک به مطالعه درسین بالاتر تأثیر به‌سزایی داشته باشد. نویسندگان کتاب فصل پنجم را به این مهم اختصاص داده‌اند. در این زمینه اصول فهم تصاویر، کارکرد تصاویر، تصاویر و داستان‌ها مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است. قابلیت‌های تصاویر و خوانایی آنها را نیز در همین فصل بررسی کرده‌اند. در پایان فصل مطلبی تحت عنوان تصاویر برای نوجوانان آورده شده است تا ویژگی‌های این نوع تصاویر را بررسی کنند، اما این مطلب بسیار مختصر و مجمل است و می‌توانست بیشتر از آنچه که هست توسعه داده شود.

به نظر می‌رسد از فصل ششم به بعد نویسندگان کتاب بحث مطالعه را بر کتاب و کتابخانه متمرکز کرده‌اند. فصل ششم به کتاب‌های مناسب و کتاب‌های نامناسب اختصاص یافته است. این مفاهیم در قالب مزایای مطالعه، ادبیات کلاسیک، مهم‌خوانی آغاز شد. سپس با کتاب‌های نامناسب ادامه پیدا کرده است. در پایان معیارهایی برای ارزیابی کتاب‌های کودکان از لحاظ کیفیت محتوا، کیفیت ساخت و پرداخت، کیفیت زبان و شیوه نگارش، کیفیت تصویرها و کیفیت ارائه نقل شده است.

فصل هفتم کتاب به کودک و کتابخانه می‌پردازد. نویسندگان در این فصل ابتدا نیاز به پرداختن به کتابخانه را چنین بیان کرده‌اند: از تعریف مطالعه تا اینجا راهی طولانی را طی کرده‌ایم، اگر برآنیم که مطالعه کودکان را تقویت کنیم باید آنها را به مراجعه به کتابخانه فراخوانیم، به آنها اطمینان دهیم که کتابخانه مکانی خوشایند است و کتابداران نیز انسان‌هایی خوشایند هستند که به آموزش، کارآموزی

نویسندگان مشخص شود و برخی پرسش‌ها برای نویسندگان جوان‌تر و یا پاسخ‌هایی به برخی پرسش‌هایی که در زمینه کودک و مطالعه مطرح می‌شود ارائه گردد، به مراتب بر جذابیت کنونی کتاب افزوده می‌شود. علاوه بر این موارد برخی ملاحظات نیز در مورد این کتاب به نظر نگارنده این سطور قابل طرح است که با کمال قدردانی از نویسندگان محترم ارائه می‌گردد.

۱. در مورد ارجاعات درون متنی، از آنجایی که منابع و مأخذ به صورت لاتین ارائه گردیده است، بنابراین ارائه پانویس لاتین جهت تسهیل مراجعه خواننده به منابع و مأخذ ضروری به نظر می‌رسد. البته در برخی جاها این مسأله رعایت شده است و امید که در چاپ‌های بعدی در همه موارد رعایت شود.

۲. کتاب حاضر به لحاظ محتوایی و سبک نگاه به مسأله کودک و مطالعه در نوع خود کتابی جدید و اثری بدیع می‌باشد. اما مباحث بسیار مختصر مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان محترم در چاپ‌های بعدی می‌توانند برخی مطالب را با تفصیل بیشتری بیان کنند تا خوانندگان بتوانند استفاده کارآمدتری از این اثر داشته باشند. ۳. منابع و مأخذ در پایان هر فصل آورده شده است. یک منبع و مأخذ در هم‌کردی می‌توانست در پایان کتاب دید کلی و جامع‌تری را برای خوانندگان و سایر مراجعان به این کتاب فراهم آورد. ۴. واژه‌نامه انگلیسی به فارسی آورده شده است که جای تحسین دارد. یک واژه‌نامه فارسی به انگلیسی می‌توانست مکمل این حرکت باشد.

۵. معادل‌گذاری برای برخی اصطلاحات می‌توانست بهتر از این باشد. به عنوان نمونه واژه روان‌خوانی برای Readability چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. امید که در چاپ‌های بعدی این مسأله بسیار جزئی نیز مورد توجه ناشر و نویسندگان محترم قرار گیرد. ۶. کتاب به لحاظ ظاهری و حروفچینی و استحکام از کیفیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد که لازم است از ریزبینی و دقت ناشر محترم سپاس‌گزاری شود.

۷. از اینکه نویسندگان محترم مطالعه را فراتر از خواندن مطرح کرده‌اند و در واقع عادت شکنی نموده‌اند قدردانی می‌شود. امید که نویسندگان عرصه مطالعه و خواندن این مهم را الگوی فکری خود قرار دهند.

در پایان از استاد محترم جناب آقای یغمایی که زحمت تألیف این کتاب وزین را کشیده‌اند و هم‌چنین نویسنده همکار جناب آقای خندان کمال تشکر را دارد که این گام نخست را در زمینه کودک و مطالعه با صلابت و استحکام لازم برداشته‌اند. این کتاب می‌تواند برای مدیران و دست‌اندرکاران کودکان و نوجوانان، دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتابداران کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان و عمومی و سایر علاقه‌مندان مفید واقع شود.

و نگرش‌های مثبت مجهزند و خود را متعهد به برآوردن نیازهای آنها می‌دانند. با این مقدمه، مباحثی از جمله مراجعه‌کننده در دسرساز، کتابدار موفق کودکان، نگرش‌های و رهیافت‌ها، کودکان خاص، خوانندگان خاص به میان کشیده شده است تا ویژگی‌های یک کتابخانه کودکان، کتابدار کودکان و شرایط مناسب برای استفاده بهینه کودکان از امکانات کتابخانه را تبیین نمایند.

فصل پایانی کتاب به مدیریت ترویج مطالعه اختصاص یافته است. در این راستا، خط‌مشی مطالعه و چگونگی تدوین آن، منابع، مجموعه، کارکنان، محل کار و نظیر آن مورد بررسی قرار گرفته است. به دنبال آن واژه‌نامه انگلیسی - فارسی، نمایه و فهرست انتشارات ناشر کتاب آورده شده است.

کتاب کودک و مطالعه را می‌توان به دو قسمت کلی تقسیم بندی کرد: قسمت اول که سعی در زمینه‌سازی و تبیین متغیرهای اصلی مورد بحث را دارد و فصول اول تا سوم را در بر می‌گیرد و قسمت دوم که بیشتر به دنبال ارائه غیر مستقیم رهنمودهاست، فصول چهارم تا فصل هشتم را شامل می‌شود. در مورد قسمت اول کتاب به لحاظ ساختاری، نویسندگان چنانچه یک فصل نیز به شناسایی ویژگی‌های روانی، جسمانی و محدوده‌های سنی کودک اختصاص می‌دادند این فصل از کتاب بهتر می‌توانست به هدف خود نزدیک شود. چراکه کودک در عنوان کتاب آورده شده است و خود این مفهوم در زبان روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی علوم دیگر ویژگی‌ها و محدوده‌های سنی خاصی را در بر می‌گیرد. بنابراین خوانندگان این کتاب وزین چنانچه این محدوده‌ها را در این کتاب شناسایی می‌کردند بهتر می‌توانستند بحث‌های بعدی را دنبال کنند. در مورد قسمت اول کتاب یک مسأله بیانی نیز در فصل دوم به چشم می‌خورد که به نظریه‌های رشد پرداخته است. در این فصل نویسندگان محترم چنانچه خطی‌مشی خود را مشخص می‌کردند که آیا در تیترها اسامی صاحبان نظریه را می‌آورند یا خود نظریه‌ها را. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نظریه تجربه مستقیم و غیرمستقیم و موارد دیگر با عنوان خود نظریه‌ها آورده شده‌اند. در حالی که یک مبحث دیگری به صورت جداگانه به نظریه‌های رشد اختصاص یافته است که [نظریه شناختی] ژان پیاژه و زیگموند فروید در ذیل آن آورده شده است. البته به لحاظ تورفتگی و اندازه قلم هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. بنابراین ممکن است خوانندگان نتوانند ساختار منطقی فصل مذکور را به خوبی درک کنند. البته این مورد از ارزش این کتاب و نویسندگان نمی‌کاهد، بلکه مواردی است که چنانچه در چاپ‌های بعدی رعایت شود مفیدتر خواهد بود. در مورد قسمت دوم کتاب، نویسندگان موفق‌تر عمل کرده‌اند و چنانچه یک فصل پایانی به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در نظر گرفته می‌شد تا رویکرد کلی